

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**نخستین قانون تجارت
مصوب ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ شمسی به همراه
نخستین قانون محاکم تجارت
مصوب کمیسیون قوانین عدلیه
مورخ ۱۲۹۴ شمسی**

.....

تدوین

گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۵

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: نخستین قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ شمسی به همراه نخستین قانون محاکم تجارت مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۲۹۴ شمسی / تدوین گروه عملی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۳ ص: جدول؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۱۱-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: حقوق تجارت -- ایران
موضوع	: ایران. وزارت عدلیه -- قوانین و رویه‌ها
موضوع	: Commercial law -- Iran
شناسه افزوده	: موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	: ص ۱۳۹۵ KMH۹۱۴
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۸۵۵۰۱

نام کتاب	: نخستین قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ شمسی به همراه نخستین قانون محاکم تجارت مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۲۹۴ شمسی
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۵
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۱۱-۰
قیمت	: ۱۳۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروز - پلاک ۱۳

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست

قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴	
شمسی	۹
باب اول: تجار و معاملات تجاری	۹
باب دوم: دفاتر تجاری	۱۱
باب سوم: شرکت های تجاری	۱۴
فصل اول: در اقسام مختلف شرکت و قواعد راجعه به آنها	۱۴
مبحث اول: شرکت سهامی	۱۴
مبحث دوم: شرکت ضمانتی	۳۲
مبحث سوم: شرکت مختلط	۳۶
فصل دوم: شرکتهای تعاونی	۴۲
فصل سوم: در مقررات راجعه به نشر شرکت نامه ها	۴۳
فصل چهارم: در تصفیه امور شرکتها	۴۷
فصل پنجم: مقررات مختلفه	۵۰
باب چهارم: دلالی	۵۲
باب پنجم: برات - فته طلب - چک	۵۷
فصل اول: برات	۵۷
مبحث اول: صورت برات	۵۷
مبحث دوم: در قبول و نکول	۵۸
مبحث سوم: در قبولی شخص ثالث	۵۹
مبحث چهارم: در وعده برات	۶۰
مبحث پنجم: ظهر نویسی	۶۱
مبحث ششم: در مسئولیت	۶۱
مبحث هفتم: در پرداخت	۶۲
مبحث هشتم: تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث	۶۵

۶۶	مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات
۷۰	مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)
۷۱	مبحث یازدهم: برات رجوعی
۷۴	فصل دوم: در فته طلب
۷۴	فصل سوم: چک
۷۶	فصل چهارم: در مرور زمان
۷۶	ماده الحاقیه
۷۷	باب ششم: در ورشکستگی
۷۷	فصل اول: در کلیات
۷۷	فصل دوم: در اعلام ورشکستگی و اثرات آن
۸۰	فصل سوم: در تعیین عضو ناظر
۸۱	فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۸۲	فصل پنجم: در تعیین و تبدیل اعضاء هیأت تصفیه
۸۵	فصل ششم: در وظایف هیأت تصفیه
۸۵	مبحث اول: در کلیات
۸۷	مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی
۸۸	مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات
۹۰	مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه
۹۰	مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها
۹۵	فصل هفتم: در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۹۵	مبحث اول: در دعوت طلب کارها و مجمع عمومی آنها
۹۶	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی
۹۶	فقره اول: در ترتیب قرارداد ارفاقی
۹۹	فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقی
۱۰۰	فقره سوم: در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی
۱۰۳	مبحث سوم: در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی

فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلب کارها و حقوق هر یک از آنها در صورت ورشکستگی.....	۱۰۶
مبحث اول: در طلب کارهایی که رهنه منقول دارند.....	۱۰۶
مبحث دوم: در طلب کارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند.....	۱۰۷
فصل نهم: در تقسیم بین طلب کارها و فروش اموال منقول.....	۱۰۹
فصل دهم: در دعوی استرداد.....	۱۱۱
فصل یازدهم: در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی.....	۱۱۳
باب هفتم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب.....	۱۱۵
فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر.....	۱۱۵
فصل دوم: در ورشکستگی به تقلب.....	۱۱۷
فصل سوم: در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند.....	۱۱۸
فصل چهارم: در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته، در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب.....	۱۲۰
باب هشتم: در اعاده اعتبار.....	۱۲۱

قانون علامات صنعتی و تجارتي مصوب لیله ۹ برج حمل ۱۳۰۴ شمسی	
.....	۱۲۵

قانون محاکم تجارت مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ قمری.....	۱۳۲
فصل اول: در تشکیل محاکم تجارت.....	۱۳۲
فصل دوم: در صلاحیت محاکم.....	۱۳۷
فصل سوم: اصول محاکمات در محاکم تجارتي.....	۱۳۹
مبحث اول: در عرض حال.....	۱۳۹
مبحث دوم: در احضار مدعی علیه و تأمین مدعی به.....	۱۳۹

- مبحث سوم: در رسیدگی محکمه ۱۴۱
- مبحث چهارم: در دلایل ۱۴۱
- مبحث پنجم: در حکم ۱۴۲
- مبحث ششم: در احکام غیابی ۱۴۳
- مبحث هفتم: در اظهارات عارض ۱۴۳
- مبحث هشتم: در استیناف احکام محاکم تجارت ۱۴۵
- مبحث نهم: در تمیز احکام محاکم تجارت ۱۴۶
- خلاصه تصویبات مالی ۱۴۷

**قانون قبول و نکول بروات تجارتي مصوب پنجشنبه ۹ جمادی الاول
۱۳۲۸ قمری ۱۴۸**

**قانون اصلاح «قانون قبول و نکول بروات» مصوب چهارم برج جوزا
مطابق ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۹ قمری ۱۵۲**

سخن ناشر

تاریخ، هویت بش است و ... ساختار هر جامعه‌یی با ساروجی از پیشینه‌ش شکل می‌گیرد تا «باشندگان» امروزش به پشتوانی آن، به سامان سازند شرایط را برای «آیندگانی» که درآینده، به داوری می‌نشینند.

هر اجتماعی در گذرگاه تاریخ خویش، بزنگاه‌هایی دارد که رخداد هایش، تحریف‌کننده‌ی سرنوشت فردایش می‌شود. از این روی، بازنگری در احوال مردمان روزگارمان سپری شده، نه تنها آموزه‌هایی را با خود دارد، بلکه سرشار «جدایت» و «لطف» است از چگونگی کرد و کار، روابط، زبان و ادب کلامی و نگارشی ایشان.

بی‌گفت و گو، میهن که ساله‌ما نیز با تمدنی هفت هزاره‌یی، آنگاه چنین حوادثی است و ...

«انقلاب مشروطه»، در زمره‌ی مهرتین اتفاقات سرزمین مان است که موجب درگونی شرف و بنیادین در ساختار جامعه‌ی ایران گردید. حادثه‌یی که نه فقط بنیان «استبداد» و «خودکامگی» و «جاهلیت» سلاطین قجری را از ریشه برکنند و زیر و زبر کرد، که شهد آزادی را به مردمان چشاند و دیری به روشنای دنیایی نوین، به روی شان گشود و باینداری ایشان، موجب گردید تا «قانون»، مفهوم واقعیش را باز یافته و جماعت ایرانی، با واثرگانی نو، همچون «آزادی بیان و اندیشه»، «عدالت»، «مجلس»، «حقوق مدنی»، «مسئولیت اجتماعی» و ... آشنا شده و جایگاه مراستین خود در مناسبات سیاسی و تعیین سرنوشت خویش و زار بوم‌شان را باز شناسند.

برکنار از همه‌ی پیامدهای انقلاب مشروطه، یکی از عواملی که دو ستاد امران خوانش کارنامه‌ی گشتگان را به مطالعه‌ی این برهه از تاریخ ایران، تهییج می‌کند، زبان و ادبیات این عصر است که به لحاظ تفاوت‌های فاحش اش با فرهنگ روزگار ما،

جذب و کششی خاص دارد. ادبیاتی با غنایی ویژه. فرهنگی که نه تنها در گفت و شنودهای عادی آن زمانه جاری بوده، بلکه مکاتبات رسمی و حقوقی اش را نیز تحت تأثیر داشته است.

با چنین پیشگامی، انتشارات چتر دانش به عنوان نشر دهنده‌ای کتب حقوقی، با هدف آشنا نمودن نسل امروز جامعه حقوقی ایران، به ویژه جوانانی که در هیات دانشجوی حقوق، اندیشه‌ی پوشیدن ردای وکالت و قضاوت و... به سر دارند، با چند و چون تلویزین و نگارش قوانین در آن عهد و بازساخت روشن بینی نگارندگان آن، انتشار مجموعه کتاب‌هایی در این زمینه را در دستور کار قرار داده که پنجمین جلد آن با عنوان «خستین قانون تجارت به همراه نخستین قانون محاکم تجارت مصوب کمیسیون قوانین عدلیه» هم‌اینک در دستانتان شماست.

پس واضح است که قوانین مندرج در این کتاب و کتاب‌های بعدی، کلاً منسوخ شده‌اند و باز نشرشان تنها به این دلیل است که خواندنش را از دیدگاه آشنایی با خوبی تلویزین اولین قوانین حقوقی بر پایه نظام پارلمانیسر، آن هم در ایام واپس ماندگی جامعه ایران عهد قجر، برای باشندگان امروز در حلقه‌ی علم حقوق، به فایده دیدیم.

انتظار بر آن است تا اقدام انتشارات چتر دانش در نشر کتب تاریخی با مضامین حقوقی، مورد اقبال اهل حقوق و دوستداران تاریخ، واقع شده و فرزندان گرانسنگ در حیطه‌ی تاریخ و حقوق نیز با رهنمودها و دانش و دانسته‌های شان در این مقوله، ما را یاری رسان شوند تا کاستی‌های هم‌اکنون در دستیابی به هدفی که شرح‌اش گرفت، به حداقل برسد.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

قانون تجارت^۱ مصوب ۲۵ دلو^۲ ۱۳۰۳،
۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ شمسی

باب اول: تجار و معاملات تجاری

ماده ۱۸۱

تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار داده است.

ماده ۲

معاملات تجاری از قرار ذیل است:

- ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره^۳ امر از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر خوی که باشد.
- ۳- هر قسم^۴ عملیات دلالی یا سفارش کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
- ۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای مرفح^۵ حوائج شخصی نباشد.
- ۵- تصدی به عملیات حراجی.
- ۶- تصدی به هر قسم نمایندگی^۶ اهای عمومی.
- ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

۱- قانون فوق (قانون تجارت) در سه قسمت به تصویب کمیسیون پارلمانی عدلیه رسیده است و اینک در یک قسمت به طبع می رسد. این قانون به موجب قانون ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ (در دوره هشتم) نسخ شده است.

۲- دلو: بیج یازدهم از بیج های دوازده گانه. پس از جدی. پیش از حوت. برابر با بهمن ماه سال شمسی

۳- قسم: نوع

- ۸- معاملات برواتی^۱ اعر از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد.
- ۹- عملیات بیمه بخری و غیره بخری.
- ۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات مراجعه به آنها.

ماده ۳

- معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتمی محسوب و دعاوی مراجعه به آنها از خصائص محاکم تجارتمی است.
- ۱- کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها.
 - ۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتمی خود می نماید.
 - ۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتمی ارباب خود می نماید.
 - ۴- کلیه معاملات شرکتهای تجارتمی.

ماده ۴

معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتمی محسوب نمی شود.

ماده ۵

کلیه معاملات تجار تجارتمی محسوب است مگر این که ثابت شود که معامله منوط به امور تجارتمی نیست.

باب دوم: دفاتر تجاری

ماده ۶۴

هر تاجری مکلف است دفاتر ذیل را دارا باشد:

۱- دفتر روزنامه.

۲- دفتر کل.

۳- دفتر دارایی.

۴- دفتر کپی.

این دفاتر غیر از دفاتر دیگری است که در بخارخانهها معمول و داشتن آنها اجباری نیست.

ماده ۷۴

دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزها مطالبات و دیون و داد و ستد تجارته و معاملات مراجعه به او را قباله تجارته (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی^۱) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارته خود را به هر اسره و رسمیه که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸۴

دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لا اقل هفتگی یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلف آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

۱- ظهرنویسی: پشت نویسی

ماده ۹

دفتر داریابی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه داریابی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به مرتب ترتیب داده در آن دفتر ثبت نماید و این کار باید تا پانزدهم حمل سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰

دفتر کپیہ دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و محابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید. تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و محابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده در لفاف مخصوص ضبط کند.

ماده ۱۱

دفاتر مذکور در ماده ۶، به استثنای دفتر کپیہ، قبل از آن که چیزی در آن نوشته شده باشد به توسط رئیس محکمہ تجارت یا یکی از قضات ریگی عدلیہ یا صاحب منصبان پارکہ یا حاکم محل با رعایت ترتیب مزبور امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیہ امضاء مذکور لازم نیست ولی باید او امراق آن داریای نموده ترتیبی باشد. در موقع تجدید هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. متصدی امضاء می تواند در موقع لزوم به سایر قضات و صاحب منصبان پارکہ نیز اجازه دهد که این وظیفه را از طرف او انجام دهند و در این صورت اجازه مزبور را در ظهر صفحه اول هر دفتر با قید تاریخ نوشته و امضاء کند.

۱- حمل: بیج اول از بیج های ۱۲ گانه برابر با فرودین

۲- پارکہ: دادسرا، دادسرای شهرستان را پارکہی بدایت می گفتند.

ماده ۱۲

دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می‌شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و در طرف قیطان را با مهر سری که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه می‌نماید منگنه کند و لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳

کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حاک کردن و جای سفید گذاشتن (پیش از آن چه که در دفتر نویسی معمول است) و در حاشیه و یا بین سطوره نوشتن ممنوع است و تاجس باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگه دارند.

ماده ۱۴

دفاتر مذکوره در صورتی که بر وفق مقررات این قانون مرتب شده باشد فقط در مسائل تجارتي سندیت خواهد داشت و هرگاه به ترتیب فوق نباشد فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

باب سوم: شرکت های تجاری فصل اول: در اقسام مختلف شرکت و قواعد راجعه به آنها

... ماده ۱۵ ...

شرکت تجاری بی سه قسمت است:

- ۱- شرکت سهامی .
- ۲- شرکت ضمانتی .
- ۳- شرکت مختلط .

مبحث اول: شرکت سهامی

... ماده ۱۶ ...

شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنهاست .

... ماده ۱۷ ...

قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود .

... ماده ۱۸ ...

در صورتی که سرمایه شرکتهای سهامی از بیست هزار تومان تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنج تومان باشد و هرگاه سرمایه زائد بیست هزار تومان باشد سهام و قطعات سهام کمتر از ده تومان نخواهد بود .

ماده ۱۹

سهام ممکن است با اسر یا بی اسر باشد.

ماده ۲۰

سهام بی اسر به صورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده سهام مزبور مالک شناخته می شود مگر آن که خلاف آن قانوناً ثابت گردد. نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض^۱ به عمل می آید - مملک سهام با اسر به وسیله ثبت اسر صاحب سهام در دفتر شرکت به عمل می آید و اگر صاحب سهام بخواهد سهام خود را به دیگری منتقل کند باید شخصاً یا به توسط وکیل ثابت الوکاله این انتقال را در دفتر شرکت تصدیق^۲ و امضاء نماید.

ماده ۲۱

سهام ممکن است نقدی باشد یا غیر نقدی - سهام غیر نقدی سهامی است که درازا آنها به جای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود.

ماده ۲۲

هر شرکت سهامی می تواند به موجب رأی مجمع عمومی صاحبان سهام آنکه مطابق شرایط مقرر در این قانون تشکیل شده است سهام ممتاز^۳ ترتیب دهد که نسبت به سایر سهام مرجحان و مزایایی داشته باشد ولی ایجاد این نوع سهام

۱- قبض و اقباض: رد و بدل کردن سند و قباله

۲- تصدیق: گواهی

مشروط است به این که اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد.

ماده ۲۳

در جلسات مجمع عمومی هیچکدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتاز از حیث رأی تفاوتی ندارند مگر این که اساسنامه شرکت طور دیگر مقرر کرده باشد. در مواردی که مجمع عمومی شرکاء نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی اتخاذ نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی خواهد بود مگر بعد از آن که صاحبان سهام مزبور در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای این که آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید حاضرین جلسه لاقبل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشند که موضوع مذاکره است.

ماده ۲۴

در اسامی سهامی نام هیچ یک از شرکاء قید نخواهد شد و پس از اسامی شرکت باید کلمه (محدود) قید شود.

ماده ۲۵

شرکت سهامی به موجب شرکت نامی که در دو نسخه نوشته شده باشد تشکیل می شود. یکی از نسخه‌ها به طوری که در ماده ۳۷ مقرر است ضمیمه اظهارنامه مدین شرکت و دیگری در مرکز اصلی شرکت ضبط خواهد شد.

ماده ۲۶

شرکت باید در امرای اساسنامه‌ای باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح بشود:

- ۱- اسم و محل مرکز اصلی شرکت
- ۲- موضوع شرکت
- ۳- مدت شرکت در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شود
- ۴- مقدار سرمایه، شرکت و مقدار قیمت سهام
- ۵- نوع سهام (که سهام با اسم است یا بی اسم) علاوه بر نوع از سهام و تعیین این که سهام با اسم و بی اسم به چه شکل ممکن است به هم تبدیل شوند در صورتی که این تبدیل اساساً پذیرفته شده باشد.
- ۶- هیأت‌های اداره و تقیث
- ۷- علاوه سهامی را که مدیران شرکت باید به صندوق شرکت بسپارند.
- ۸- مقررات مراجع به دعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقته شور و اخذ رأی.
- ۹- مطالبی که برای قطع آن در مجمع عمومی اکثریت مخصوصی لازم است.
- ۱۰- طرز ترتیب صورت حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود.
- ۱۱- طریق تعیین اساسنامه
- ۱۲- تعیین تکلیف مطالبی که در این قانون موقوف به اساسنامه شده است.

ماده ۲۷

برای این که شرکت سهامی تشکیل شود لااقل وجود پنج نفر شریک لازم است.

●●● ماز ۲۸ ●●●

تشکیل شرکتهای سهامی محقق نمی‌شود^۱ مگر بعد از آن که تأذیه تمام سرمایه شرکت از طرف شرکاء تعهد شده باشد به علاوه هرگاه سهام یا قطعات آن زائد بر پنج تومان نباشد شرکاء باید تمام وجه را تأذیه نمایند و الا باید لااقل ثلث قیمت سهام را تقدماً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می‌شود نباید کمتر از پنج تومان باشد.

●●● ماز ۲۹ ●●●

سهامی که قیمت آن کاملاً تأذیه نشده است سهام با اسرار است و نقل و انتقال فقط وقتی جائز است که ثلث قیمت تأذیه شده باشد.

●●● ماز ۳۰ ●●●

هرگاه یکی از شرکاء سهم غیر نقدی اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید مجمع عمومی شرکاء در جلسه اول که منعقد می‌شود^۲ امس به تقویم^۳ سهم غیر نقدی نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر می‌گیرد لیکن تصویب قطعی تقویر یا موجبات مزایا به عمل نمی‌آید و تشکیل شرکت واقع نمی‌شود مگر در جلسه رییس مجمع عمومی که بر حسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای این که در جلسه دوم تقویر یا موجبات مزایا تصویب شوند باید لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه رایج^۴ در این خصوص طبع^۵ و بین تمام شرکاء توزیع شده باشد. تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث شرکاء

۱- مُحَقَّق نمی‌شود: تحقق پیدا نمی‌کند، تثبیت نمی‌شود، به واقعیت تبدیل نمی‌شود؛ انجام نمی‌گیرد.

۲- تقویم: قیمت‌گذاری، ارزیابی

۳- رایج: گزارش

۴- طبع: چاپ

حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی قانونی خواهد بود مگر آن که عدراً نصف کل شرکا حاضر و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند. ششگایی که دارای سهام غیر نقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در این مجمع ذی رأی نیستند و هرگاه سهام غیر نقدی یا موجبات مزایایی که مطالبه شده تصویب نشود هر يك از شرکا می تواند از شرکت خارج شود - تصویب مراتب مذکوره در فوق مانع نیست از این که بعدها نسبت به آنها دعوی تزیین و تقلب اقامه شود. هرگاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه‌های غیر نقدی مشاعاً^۳ و منحصراً متعلق به خودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره در این ماده راجع به تقویر سهام غیر نقدی لازم نخواهد بود.

ماده ۳۱

چیزی که در ازاء سهام غیر نقدی تعهد شده تماماً باید تحویل شود.

ماده ۳۲

مؤسسین باید پس از تنظیم نوشته‌ای که حاکی از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و تأدیبه و اتعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند این مجمع اولین مدیرهای شرکت و همچنین مفتش^۴ (کمیسر)هایی را که به موجب ماده ۴۱ مقرر است معین می‌کند. مفتشین مزبور برای سال اول و مدیرها برای مدت چهار سال معین می‌شوند. مدیرها را می‌توان پس از انقضاء مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود مگر آن که اساسنامه شرکت غیر از این مقرر

۱- ذی رأی: صاحب رأی

۲- تزیین: جعل، تقلب

۳- مشاعاً: به طور مشاع، بالاشترک، مشترکاً

۴- مُفْتِش: کمیسر، بازپرس

داشته باشد ولی در صورتی که بر حسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول به تصویب مجمع عمومی نباشد مدت مدیری آنها بیش از دو سال نخواهد بود. در صورتی که مدیرها و مفتشین که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده اند قبول در انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می گردد.

ماده ۳۳

اظهارنامه ای که به موجب ماده ۳۷ به دأرع ثبت اسناد باید تسلیم شود مؤسسين شرکت هتیه نمود با اسناد مربوطه به اولین مجمع عمومی شرکا، تقدیر می نمایند تا مجمع صحت یا ستم آن را معین کند.

ماده ۳۴

مجمع عمومی که باید در موضوع صحت سهام الشرکه و همچنین موافق ماده ۳۳ در باب صحت اظهارات مؤسسين اظهار رأی نماید باید از يك عدل صاحبان سهامی مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند و در موقع اخذ رأی برای تصدیق تقویر سهام غیر نقدی آن قسمت از سهام غیر نقدی که موضوع مذاکره و رأی مجمع عمومی است در جزء سرمایه شرکت محسوب خواهد شد - اگر در مجمع عمومی شرکا، به اندازای که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشوند تصمیمات مجمع موقتی خواهد بود در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت می شود و اگر پس از آن که لااقل يك ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جرأند محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آن را تصویب نمود تصمیمات